گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر مرتضی شیرودی درباره بایسته‌های آینده انقلاب اسلامی

انقلاب مستمر

سقوط حکومت پهلوی پایان حرکت انقلاب نبود، بلکه انقلاب فرآیندی مستمر است که تا رسیدن به آرمان‌های عدالت‌خواهانه آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه ادامه دارد

همه انقلاب‌های بزرگ و تاریخی جهان پس از پیروزی نیازی ضروری و حیاتی را احساس کردند و آن عبارت بود از استمرار و امتداد آرمان‌های انقلاب در نظام سیاسی برآمده از آن انقلاب. انقلاب اسلامی ایران به عنوان ارزشی‌ترین انقلاب در بین انقلاب‌های بزرگ سده‌های اخیر، نه تنها از این حیث مستثنا نیست، بلکه حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های نهضت در دوران به دست گرفتن نهاد حاکمیت ضرورت بیشتری دارد. رهبران انقلاب اسلامی پیوسته بر حفظ ارزش‌ها و روحیه انقلابی در نظام جمهوری اسلامی چه در بین مسؤولان و چه در بین مردم تاکید داشتند. برای مثال رهبر معظم انقلاب در هشداری جدی، دست کشیدن از آرمان‌ها و روحیه انقلابی و غلتیدن در وادی محافظه‌کاری را صراحتا قتلگاه انقلاب خواندند و مسؤولان و مردم را از آن برحذر داشتند. ایشان در دیدار مردم انقلابی آذربایجان شرقی فرمودند: «بعضی خیال می‌کنند انقلاب فقط سال ۵۷ بود و تمام شد؛ این خطاست. انقلاب در سال ۵۷ شروع شد، نه اینکه تمام شد؛ آغاز تغییر، آغاز حرکت اصلاحی در جامعه سال ۵۷ اتفاق افتاد، در بیست‌ودوم بهمن اتفاق افتاد و آنجا شروع شد؛ بتدریج این حرکت باید عمیق‌تر، وسیع‌تر، گسترده‌تر و خردمندانه‌تر ادامه پیدا کند، نه اینکه متوقف شود». در همین راستا برای پردازش بیشتر این مساله پراهمیت با دکتر مرتضی شیرودی، دانشیار پژوهشگاه امام صادق(ع) گفت‌وگو کردیم.

■آقای دکتر! رهبر معظم انقلاب چندین بار از استمرار و تداوم انقلاب در سال‌های متمادی سخن گفته‌اند و این نظریه را که انقلاب اسلامی یک حرکتی بود که به اتمام رسید، مکررا رد کرده‌اند. آیا تعبیر انقلاب مستمر و تداوم انقلاب در انقلاب‌های معروف سایر نقاط جهان نیز مطرح بود؟ اگر پاسخ مثبت است تفاوت نگاه آنها به استمرار انقلاب با نگاه انقلاب اسلامی در چیست؟

انقلاب مداوم، انقلاب پیوسته، انقلاب دائم یا انقلاب مستمر که معادل permanent revolution است، اصطلاحی است که در علوم سیاسی جهان مطرح است. در عالم سیاست، نخستین بار «کارل مارکس» آلمانی بود که آن را در رساله «خطاب به جامعه کمونیست‌ها» به کار برد اما «تروتسکی» به بسط آن دست زد. مراد تروتسکی از انقلاب مستمر، از یک سو گره زدن انقلاب بورژوایی ۱۹۰۵ روسیه با انقلاب پرولتاریایی آن کشور بود و از دیگر سو، امیدوار بود انقلاب روسیه به ظهور انقلاب‌های اروپایی منجر شود. با گذشت زمان، مفهوم انقلاب مستمر بسط یافت و اینک، در ایران با آنچه در بین کمونیست‌ها معنا شده، تفاوت‌های بنیادی دارد. از این رو، انقلاب مستمر در انقلاب اسلامی، همان حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب ایران است که در مدتی طولانی ادامه یافته است. رهبر معظم انقلاب ۱۹ بهمن سال ۱۳۸۳ در همین رابطه می‌گویند: «اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب به نام خدا و برای مردم و برای عدالت و استقلال و آزادی آغاز شد و این راه را همچنان ادامه داده است. هنوز شعارها همین‌هاست و به توفیق الهی این شعارها همچنان خواهد بود».

یا در سخنرانی ۲۲ بهمن سال ۹۷ می‌گویند: «انقلابی است که ملتی ستم‌دیده، کمر همت می‌بندد و به پا می‌خیزد و با تغییر حکومتی وابسته و ظالم، آرمان‌های انقلابی خود را می‌افشاند و یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر می‌نهد و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است».

انقلاب مستمر خود از ۲ مرحله پیش‌تر برخوردار است که هر یک از این مراحل به تنهایی چند گام است:

■ گام اول: قیام عمومی

علت‌های فراوانی قیام عمومی را دامن می‌زند. تبعیض نژادی، چند دهه سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی را علیه سفیدپوستان به قیام واداشت. شیعیان بحرین طی سال‌های اخیر علیه حمد بن‌عیسی بن‌سلمان آل خلیفه به پا خاسته‌اند. تبعیض به‌مثابه علت قیام عمومی، انواع متعدد دارد البته تبعیض تنها یکی از علل قیام‌های عمومی است. فساد، عامل مهم دیگری در قیام عمومی است. از دلایل قیام‌های زنجیره‌ای شمال آفریقا موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی، فساد دولتی بوده است.

قیام یا نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی قدس سره، از نخستین سال‌های دهه ۱۳۴۰، معلول علت‌های مختلفی است اما بی‌شک ظلم شاهی، ستم درباری و بیداد اداری، از مهم‌ترین آن بوده است. ظلم و ستم همچون تبعیض و فساد وجوه مختلفی دارد اما ظلم دینی، مصداق برجسته آن است. پهلوی‌ها از آغاز پادشاهی رضا و محمدرضا، به تحمیل انواع ظلم به دین و دینداران دست زدند. به مرحله اجرا گذاشتن قانون متحدالشکل شدن لباس که چند مرحله را از سر گذراند، سرانجام قیام گوهرشاد مشهد را در پی داشت. تلاش شاه برای ممانعت استفاده ایرانیان از حق قانونی عدم واگذاری امتیازات نفتی جدید، قیام یا نهضت ملی شدن نفت را برانگیخت. تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که با واکنش امام متوقف ماند، ظلمی آشکار به مقدسات دینی بود. دستگیری امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲، به دلیل افشاگری علیه شاه، ظلم علیه دستگاه مرجعیت شیعه تلقی شد و به همین دلیل شهرهای مختلف کشور چون تهران، شیراز، مشهد و ورامین دست به اعتراض زدند. امام در پی اعتراض به کاپیتولاسیون که به برتری اتباع دولت آمریکا در ایران انجامید، سخنرانی کرد اما واکنش شاه تبعید ایشان به ترکیه و عراق بود. ظلم پس از سال ۱۳۵۵ خودنمایی بیشتری یافت به گونه‌ای که تجاوز آشکار به قداست مرجعیت دینی، یعنی امام خمینی(ره) در روزنامه اطلاعات به سال ۱۳۵۶، قیام ۱۹ دی قم را به زمینه‌ای در سلسله قیام‌های بعدی در تبریز، یزد و سرانجام انقلاب اسلامی تبدیل کرد. در واقع، حکومت نظام جمهوری اسلامی، در پی سلسله‌ای از قیام‌های انقلابی، در ایران استقرار یافت (نجاتی، ۱۳۷۷، ۱:۶۷).

■ گام دوم: تغییر حکومت

انقلاب با تغییر حکومت شناخته می‌شود و البته مراد از حکومت، تنها دولت به‌مثابه قوه مجریه نیست. باید به این نکته توجه داشت که تغییر نظام سیاسی جمهوری اسلامی مثل هر نظام پس از هر انقلابی، به‌سرعت اتفاق نمی‌افتد. اغلب انقلاب‌ها و نیز انقلاب اسلامی، استقرار حکومت دولت یا حکومت موقت را تجربه می‌کنند، که حلقه اتصال حکومت قبلی به بعدی است، از این رو عناصری از ۲ نظام در آن مشهود است اما افزودن فاصله خود با حکومت قبلی را پیشه می‌کند. پس از آن، انقلابیون بر سر کار می‌آیند که مماشات و تسامح دولت یا حکومت موقت و کندی اقدامات آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند.

■ گام سوم: تداوم و استمرار

همه انقلاب‌ها با تغییر حکومت که یک اقدام سیاسی است آغاز می‌شوند. انقلاب اسلامی نیز در اولین اقدام سیاسی، نظام شاهنشاهی را سرنگون ساخت و در اولین انتخابات پس از انقلاب، همه‌پرسی نظام سیاسی جدید را برگزار کرد و در پی آن، نظام سیاسی جمهوری اسلامی استقرار یافت. علتی که همه انقلاب‌های کوچک و بزرگ، نخست در پی سرنگونی نظام سیاسی پیشین قرار می‌گیرند، قدرت است. انقلابیون به این درک سیاسی دست می‌یابند که تنها با در اختیار داشتن قدرت به معنای کلان آن، قادرند راه خود را برای دستیابی و نهادینه‌سازی حرکت‌ها، ارزش‌ها، مقاومت‌ها، خودسازی‌ها و نهایتا تمدن‌سازی انقلابی ادامه دهند و این همان راهبردی است که تنها در پرتو انقلاب مستمر تحقق می‌یابد.

■ پس از نظر شما شرط استمرار و امتداد هر انقلابی بویژه انقلاب اسلامی همین ۵ مؤلفه‌ای است که اشاره کردید. ممنون می‌شویم هر یک از این ۵ مؤلفه را برای ما شرح دهید و مصادیق عینی و تاریخ آنها را برشمرید.

۱ تداوم حرکت‌های انقلابی: انقلاب اسلامی موجد حرکت‌های انقلابی بسیاری بوده است، به گونه‌ای که امام خمینی قدس‌سره در یک حرکت انقلابی، شهادت فرزندش سیدمصطفی را یک مساله فرعی خواند و توجه همگان را به ادامه نهضت اسلامی معطوف کرد. امام در جو اختناق سال ۱۳۵۶، در تجلیل از شهدای ۱۹ دی قم و ۲۹ دی تبریز، شجاعانه اعلامیه صادر می‌کند و در مصاحبه با روزنامه لوموند در اردیبهشت ۱۳۵۷، در اقدامی کم‌نظیر به انتقاد شدید از حکومت پهلوی دست می‌زند. زنده نگه داشتن اربعین شهدای نهضت، گرامیداشت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ابراز تأسف از کشتار سینما رکس آبادان، انتقاد از برقراری حکومت نظامی و کشتار ۱۷ شهریور، از دیگر حرکت‌های انقلابی آن رهبر شجاع بود که ترجیع‌بند امام در همه آنها این بود: «نهضت اسلامی را ادامه دهید و تا برچیده شدن دستگاه قلدری و استبداد، از قیام خود دست نکشید».

انقلاب اسلامی با مجموعه‌ای از حرکت‌های انقلابی شناخته می‌شود که هر یک، دشمنان را غافلگیر کرد و کاروان انقلاب را به پیش برد. در واقع کمتر کسی پس از انقلاب گمان می‌کرد امام دستور برگزاری همه‌پرسی نام حکومت را صادر کند. همگان در برابر فرمان امام در باقی ماندن ارتش متعجب شدند. تنها شجاعت کم‌نظیر امام مانع از کاندیداتوری مسعود رجوی در انتخابات ریاست‌جمهوری شد و روحیه مردم را در مقابل ترورهای چند هزار نفره منافقین حفظ کرد. او حمله صدام به ایران را به حمله یک دیوانه تشبیه کرد و همه را برای ایستادن در برابر آن فرا خواند. امام از اشغال جاسوسخانه آمریکا در فضای تردید و تشکیک، پشتیبانی کرد. هیچ‌کس غیر از امام را یارای پذیرش قطعنامه و پایان دادن به جنگ و عزل آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی نبوده است. این اقدامات تنها از رهبری برمی‌آید که اعتقادی به حرکت‌های کند، بی‌هدف و بی‌تأثیر در تداوم یک انقلاب مردمی ندارد و آن، تنها در فضای برآمده از باورهای عمیق مذهبی شکل می‌گیرد. از این رو نمی‌توان هیچ یک از اقدامات امام را غیرانقلابی که با روح و ذات انقلاب مغایر است، دانست. حرکت‌های انقلابی با همان شیب تند و با همان ماهیت اسلامی اما در بخش‌های گسترده‌تری در دوره زعامت مقام معظم رهبری ادامه یافت.

۲ استمرار ارزش‌های انقلابی: نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی قدس‌سره بر پایه ارزش‌های دینی بنیاد یافت. حکومت اسلامی یکی از این ارزش‌های گرانسنگ است؛ امام با ناامید شدن از اصلاح رژیم، حکومت اسلامی را به‌مثابه طرحی نو برای سرنگونی آن به میان می‌آورد. حکومت اسلامی با محوریت ولی فقیه تا پاییز ۱۳۵۷ بدون تغییر باقی ماند اما جمهوری اسلامی با انتخاب ولی‌فقیه از سوی مردم، جای آن را گرفت. جمهوری اسلامی ۲ مدل حکومتی را تاکنون تجربه کرده است. در مدل اول، ولی فقیه از مرجعیت دینی برخوردار است ولی در دومی، مجتهدی آگاه، شجاع، بصیر و مدیر، رهبری جامعه را بر عهده دارد. در همه این تغییرات یک چیز ثابت باقی ماند و آن، لزوم اجرای قوانین اسلام است که گاه با پادشاهی مشروطه و گاه با حکومت اسلامی یا جمهوری اسلامی در مدل‌های مختلف همراه است.

از آنجا که تنها قانون برای اسلامی‌سازی جامعه کافی نیست، مؤسسات اجرایی فراوانی برای اجرای آن پدید آمدند که نام نهادهای انقلابی به خود گرفتند و در کنار مؤسسات اجرایی اصلاح‌شده از رژیم، در خط اجرایی قوانین اسلامی قرار گرفتند. اما همواره گرایش برخی حتی در سطوح بالای مدیریتی به ارزش‌های غربی و ارزش‌های شاهنشاهی، کار نهادینه‌سازی قوانین اسلامی را گاه کند کرده است. فشارهای حقوقی و سیاسی جهانی از سوی کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی بر اجرای قوانینی چون قانون ۲۰۳۰، از دیگر موانع به شمار می‌روند. علی‌رغم همه این مسائل، ایران کشوری است اسلامی که در آن اجرای قوانین اسلامی نه به تندی داعش و نه به کندی بسیاری از کشورهای اسلامی در جریان است.

۳ تداوم مقاومت انقلابی: نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی به دلیل برآمدن از دینی چون اسلام، در حفظ دین و اجرای آن و نیز در مقابله با دشمنان داخلی و خارجی، سرسخت است. به همان میزانی که در مواجهه با مستضعفان و پابرهنگان نرم و لطیف است. از این رو، نباید تعجب کرد که چرا امام از نخستین روزهای تأسیس یک رژیم غاصب در فلسطین اشغالی، به مخالفت با آن برخاست. امام در مواجهه با آمریکا که بر مقدرات کشور ایران حاکم شده بود، به کاربست راهبرد مقاومت دست زد. همین شیوه را در برابر دیگر کشورهای معاند چون شوروی که در رأس بلوک شرق قرار داشت، به کار گرفت. در صحنه داخلی، راهبرد مقاومت را در برابر گروه‌های سیاسی منحرف چون چریک‌های فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و حتی گروه‌های به ظاهر اسلامی چون انجمن حجتیه، به یک پروسه عملیاتی مستمر مبدل کرد و مهم‌تر از همه، هیچ‌گاه در مقابل رژیم تا بن دندان مسلح با همه خشونت‌ها و اختناق‌ها حتی به بهای بازداشت و تبعید کوتاه نیامد و در مقابل درخواست سکوت دولت عراق و تهدیدهای بختیار خم به ابرو نیاورد و علی‌رغم وجود خطر، از پاریس به تهران آمد.

■این مقاومت انقلابی در برابر مستبدان و مستکبران پس از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بروز و ظهور یافت؟

پس از انقلاب، گفتمان مقاومت به معنای عام مفهوم تازه‌ای گرفت. بدان جهت که آمریکا از ابتدا و البته بیشتر پس از تسخیر لانه جاسوسی بنای بی‌سابقه‌ترین مخالفت‌ها را با ایران انقلابی نهاد و در همه دسیسه‌ها از جمله شورش‌های قومی، جنگ تحمیلی، اقدامات تروریستی، تحریم‌های اقتصادی و نظایر آن، به مشارکت مستقیم و آشکار علیه نظام پرداخت و همواره کوشید ایران را در صحنه بین‌المللی منزوی و واکنش‌های جهانی علیه ایران را برانگیزد. راهبرد ایران در مواجهه با همه این اقدامات که هر یک می‌توانست به فروپاشی نظام بینجامد، مقاومت انقلابی بود که حاصل آن شکست‌های پی‌درپی آمریکا و متحدان منطقه‌ای و جهانی‌اش بوده است.

گفتمان مقاومت به مفهوم خاص، اشاره به مقاومتی دارد که به تأثیر از انقلاب اسلامی در حزب‌الله لبنان شکل گرفت. در واقع، با صدور مفهوم مقاومت به غرب آسیا، ملت‌های اسلامی برای نخستین‌بار در مصاف با دشمنان خارجی به اسلام انقلابی تکیه کردند. موفقیت حزب‌الله در جنگ با رژیم صهیونیستی با تکیه بر عنصر مقاومت انقلابی، باعث شد «ساف» به‌مثابه سازمانی سازشکار، از نبرد با اسرائیل خارج و «حماس» جایگزین آن در محور مقاومت شود. پیروزی‌های پی‌درپی حزب‌الله و حماس بر کشوری که ادعا می‌شد شکست‌ناپذیر است، روح تازه‌ای بر ملت‌های تحت ظلم منطقه دمید تا با انتخاب مقاومت، به سلطه اجانب خاتمه دهند. لذا گفتمان مقاومت انقلابی هم‌اینک راهبرد شیعیان بحرین در جدال با آل‌خلیفه و راهبرد زیدی‌های یمن در مصاف با آل‌سعود قرار گرفته است. پیروزی ایران - سوریه از یک طرف و حزب‌الله - حشدالشعبی از سوی دیگر بر داعش اوج توانمندی محور مقاومت را به نمایش گذاشته است تا حدی که هر گونه امید غرب برای سلطه گذشته خود بر منطقه را ناامید و نقشه شوم آن را نقش بر آب کرده است. اربعین نیز با تزریق مفهوم مقاومت حسینی در برابر ظلم، از حیث محتواسازی پشتیبان معنوی گفتمان مقاومت انقلابی طی سال‌های اخیر قرار گرفته است. مقاومت انقلابی با تکیه بر مفاهیم اصیل اسلامی برآمده از اسلام ناب، تنها به مقاومت عددی، کمی و نیرویی نمی‌اندیشد، بلکه با ارتقای توان نظامی بویژه در بخش‌های موشکی و پهپادی، موضع تدافعی خود را به تهاجمی تغییر داده و با برگ برنده آماده دفاع از کیان اسلام است.

در یک جمع‌بندی می‌توانم بگویم در واقع انقلاب مستمر، تداوم همان عناصری است که امام خمینی آنها را عوامل پیروزی و از علل مبقیه انقلاب اسلامی دانسته‌اند و این در نگاه رهبر انقلاب، به معنای حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب اسلامی است

۴ استمرار خودسازی انقلابی: نهضت اسلامی مردم ایران از مسجد آغاز شد و توسط کسانی که در مسجد تربیت شده بودند، راه خود را پیمود. امام خمینی قدس‌سره در سال‌های نخستین نهضت، بر خودسازی اسلامی به عنوان عنصر مهم و ممیز تاکید کرده‌اند، به‌گونه‌ای که معظم‌له در پایان مبارزه موفقیت‌آمیز در توقف لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همگان و خاصه روحانیون را به تهذیب اخلاق دعوت می‌کنند و در خطاب به آنان گفته‌اند: «شکست مال بیچاره‌هاست؛ شکست مال کسانی است که معتمد به شیطانند و ذخایر دنیا قلب‌شان را فرا گرفته است». در واقع، شیوه مبارزاتی امام که نه سیاسی و نه نظامی، بلکه بر مبارزه فرهنگی تکیه داشت، راهی غیر از خودسازی را پیش پای مبارزان نمی‌نهاد؛ امام در برنامه مبارزه مندرج در انتهای کتاب «ولایت فقیه» بر خودسازی روحانیون به عنوان پیشتازان مبارزه اصرار کرده است. به‌علاوه، راه سخت و دشوار جدال با رژیمی سفاک با شکنجه قرون وسطایی و... جز با خودسازی عمیق، میسر نبوده است. در پی تبعید امام به ترکیه، ایشان از جمیع بستگان و خویشاوندان می‌خواهد که صبر پیشه کنند و زاری نکنند. از مبارزان می‌خواست: «مجهز کنید خودتان را برای تحمل ناملایمات و سختی‌ها در راه خدای تعالی؛ ممکن است خدای نخواسته روزهای سختی پیش آید». امام با سلاح خودسازی، انسان‌هایی چون آیت‌الله سعیدی، شهید اندرزگو، شهید طیب و تربیت کرد و با آنان رژیم را از پای درآورد. برجسته‌ترین خودسازی‌ها در بعد از انقلاب و در دفاع مقدس روی داد. آنچه بسیجیان را در نبرد نابرابر با دشمن بعثی پیروز کرد، دلدادگی آنان به خدا بود. انقلاب، آنان را مهذب کرده بود و با این تهذیب اخلاقی، قوی‌ترین سلاح‌های دشمن را به زانو درآوردند. بسیجی زمانی جرعه شهادت می‌نوشید که از حیث خودسازی به عالی‌ترین درجات می‌رسید. درجه خلوص، تقوا و صداقت رزمندگان دفاع مقدس آنچنان اوج گرفته بود که امام به حال آنان غبطه می‌خوردند و از اینکه مانند آنان نمی‌توانند در جبهه‌های جنگ حاضر شوند ناراحت بودند. خودسازی اخلاقی رزمندگان، آنان را در برابر انواع ناملایمات و سختی‌ها توانمند کرده بود، طوری که با کمترین هزینه، آثاری بزرگ خلق کردند. بی‌شک برخی اخلاقیات جوانان رزمنده، حتی در صدر اسلام و در شهدای بدر، احد، حنین، صفین و عاشورا اتفاق نیفتاد. خودسازی رزمندگان به مرزهای ازخودگذشتگی رسید و از این رو، دفاع مقدس شاهد صحنه‌های بسیاری بود که رزمنده‌ای از خود گذشت تا دیگران بمانند. بی‌دلیل نیست که یک جنگ ویرانگر ۸ ساله به نفع ایران رقم خورد و ایران را برای نخستین‌بار طی ۱۰۰ سال گذشته وادار به واگذاری بخشی از کشور خود نکرد. همین خودسازی بود که بسیجیان را بر ۲۷ کشور جهان که اسیر برجای گذاشتند، پیروز کرد. رشد فزاینده مراسمات مذهبی، نشانه برجسته‌ای از خودسازی اخلاقی است، که به بهبود اخلاقی جامعه کمک کرده است. اعتکاف، پدیده جدیدی نیست اما در دهه چهارم انقلاب اسلامی، رشد کمی و کیفی بالایی داشته است. کمک به سیل‌زدگان در حوادث سال ۱۳۹۸، نشانه‌ای از رشد اخلاقی مردمی است که در شرایط تحریمی و با کمترین نقش دولت، جهان ساکت را بهت‌زده کرد. فراوانی حضور مردم در اربعین حسینی به‌مثابه کمال اخلاقی مردمی است که یک سال تلاش‌شان را صرف نهادینه‌سازی اخلاق حسینی می‌کنند. اهدای خون، اهدای عضو، پرداخت صدقه، بسیج سازندگی، اردوهای جهادی و نظایر آن، تنها در جامعه‌ای خودساخته و اخلاقمند انقلابی اتفاق می‌افتد. جوانانی که نه انقلاب دیده‌اند و جنگ را، اما خود را در دفاع از حریم اهل‌بیت فدا می‌کنند، اینها با چه چیزی جز دل به خدا سپردن قابل تحلیل است؟ بنابراین می‌توان گفت اخلاق انقلابی متوقف نشده، بلکه با یک شیب رو به بالا در جریان است اما عده‌ای آن را نمی‌بینند یا نمی‌خواهند ببینند.

۵ تداوم تمدن‌سازی انقلابی: امام خمینی بر پایه آموزه‌های دینی، انسان را موجودی مادی و معنوی می‌دید. لذا همزمان خواهان رفاه دنیوی و سعادت اخروی او بود. از نظر وی، اصل قرار دادن دنیا و فراموش کردن آخرت به همان میزانی غلط است که آخرت را فدای دنیا کردن.

امام این عقیده را که انبیا و بزرگان دینی تنها به تعالی معنوی نظر داشته و به امور دنیایی نمی‌پرداختند رد و تأکید می‌کند که پیامبران نیز، هم به امور مادی و هم به امور معنوی توجه داشته‌اند. اصولا خداوند به دلیل رحمتی که به بندگانش دارد، نمی‌تواند نسبت به نیازهای روحانی و جسمانی وی بی‌توجه باشد، بنابراین در نگاه امام، کمال واقعی انسان نه در این دنیا، بلکه در آخرت قرار دارد و از این رو، دنیا مزرعه‌ای بیش نیست. اسلام با پیشرفت‌های تمدنی ملل گذشته و غرب امروز مخالفتی ندارد اما در پی آن است که این ترقیات ظاهری را با معنویت توحیدی آمیخته کند. امام می‌فرمود: «با کدام یک از مظاهر تمدن مخالفت کرده‌اند روحانیون؟ همه مظاهر تمدن را ما قبول داریم. آنی که ما قبول نداریم این انحرافات است». مبارزه امام در دوره محمدرضا، برای باز داشتن کشور از ایجاد تمدن نیست، بلکه ساختن جامعه‌ای آباد و بری از فسادها و رذیلت‌های اخلاقی بود. گام دوم امام برای ساختن جامعه‌ای آباد، با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. تاکید بر نظم و تلاش، راهی برای برآوردن کشوری متمدن است. پرهیز از اختلافات که بسیار در کلام و سیره امام پیدا می‌شود، مقدمات تمدنی است که تا دیروز نبوده است. در جامعه تمدنی امام، از شکاف طبقاتی خبری نیست و مستضعفان در کنار ثروتمندان، از مواهب الهی بهره‌مندند. چنین جامعه‌ای دارای حکومت اسلامی است، که تنها بر مدار قانون حرکت می‌کند و البته در آن فساد و ظلم مخل توسعه‌اند. تأسیس نهادهای مرتبط و توانا، قادر است امکانات را سازمان دهد و از آن، برای جلو بردن کشور بهره گیرد. گشودن افقی بلند در پیش چشم همگان، میل عمومی را برای ایجاد جامعه نمونه برانگیخت. رهبری انقلاب، مفهوم نوتری از تمدن مطرح کرده است؛ تمدنی که تنها تا جایی میل به گذشته دارد که بتواند روی پای خود بایستد. از آن پس، بیگانه از گذشته دور و نزدیک، راه جدیدی بنیاد می‌نهد. چون در غیر این صورت، فقط حیات نباتی دارد و بس، که کافی است لحظه‌ای اکسیژن آن قطع شود، از این رو، نام تمدن نوین اسلامی به خود گرفته است؛ تمدنی نو که در نهایت تنها قرابتش با گذشته، در نام تمدن است. جز این هم چاره‌ای نیست چون تمدن‌هایی که از هم نیرو می‌گیرند، زود هم به زوال می‌رسند اما تمدن نوین اسلامی قصد ماندگاری دارد حتی بیش از هر تمدنی که تاکنون بوده است، زیرا تنها شیعه است که توانایی ساختنی را دارد که عناصر معیوب خلافت و امارت در آن، راهی ندارد. این تمدن، از عناصر سرزنده شیعه که آن را از تعداد قلیل یاران علی(ع) در خانه فاطمه سلام‌الله‌علیها، به ۴۵۰ میلیون رسانده است، نشأت می‌گیرد. تمدن نوین اسلامی از آموزه‌های تمدنی اولین کشور جهان یعنی ایران و آخرین دین الهی یعنی اسلام آبیاری می‌شود. لذا از تجدد غربی هراسان و از تخریب تمدن شرقی بیمناک است و خود از هر دوی آنها بری و دور است.

در یک جمع‌بندی می‌توانم بگویم در واقع انقلاب مستمر، تداوم همان عناصری است که امام خمینی آنها را عوامل پیروزی و از علل مبقیه انقلاب اسلامی دانسته است و این در نگاه رهبری انقلاب، به معنای حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب اسلامی است. بخش نخست بیانیه گام دوم انقلاب، انقلاب مستمر در تراز انقلاب اسلامی را واجد مؤلفه‌های تداوم حرکت، ارزش‌ها، مقاومت، خودسازی و تمدن‌سازی انقلابی شمرده است. بی‌شک هر یک از مؤلفه‌های پنجگانه سازنده انقلاب مستمر که عرض کردم، به تنهایی قادر است کوه‌ها را جابه‌جا کند، موانع را بردارد، زمینه‌ها را فراهم کند و توسعه را به ارمغان آورد. اما، در کنار هم قرار گرفتن آنها در یک سلسله‌مراتب نردبانی هم‌گرا، هم‌افزایی را در جهت نیل به تمدنی در تراز انقلاب اسلامی تشدید می‌کند.